



مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی
د ستراتژیکو او سیمه ییزو څېړنو مرکز

تحليل هفته

شماره: ۱۵۵ (از ۱ الی ۸ حوت ۱۳۹۴ هـ ش)

این نشریه مجموعه تحلیل رویدادهای مهم سیاسی و اقتصادی هفته وار است که به زبان های پشتو، دری، انگلیسی و عربی، توسط مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی تهیه و نشر می گردد، تا نهادهای سیاست گذار از آن استفاده نمایند.

آنچه در این شماره می خوانید:

- مقدمه..... ۲

نقش شورای عالی صلح در قضیه افغانستان (۲۰۱۰-۲۰۱۶)

- نیاز به ایجاد شورای عالی صلح!..... ۴
- ارزیابی شورای عالی صلح..... ۴
- عوامل عدم موفقیت..... ۵
- رهبری جدید و نقش این شورا در گفتگوهای صلح..... ۷

له طالبانو سره د مخامخ خبرو اترو شالید او راتلونکی

- په افغان سوله کې د مخامخ خبرو اهمیت..... ۹
- د مخامخ خبرو اترو شالید..... ۹
- د مخامخ خبرو اترو په لاره کې خنډونه..... ۱۰
- آیا مخامخ خبرې اتري پیلېدونکې دي؟..... ۱۱

مقدمه

ملي وحدت حکومت له اوږده ځنډ وروسته، د سولې عالي شورا نوی جوړښت اعلان کړ. د افغان سولې په تړاو، وخت ناوخت د سولې د عالي شورا پر رول نیوکې کېږي او دا شورا یو منځگړی ارگان نه، بلکې د جگړې یو ښکېل لوری بلل کېږي. د سولې د عالي شورا شالید، د ناکامۍ لاملونه او د دغې شورا لپاره د نوې رهبرۍ ټاکل کېدل هغه موضوعات دي چې دلته بحث پرې شوی دی.

د دې ترڅنگ د سولې بهیر د بیا پیل په موخه د څلور اړخیزو خبرو اترو په څلورمه غونډه کې اعلان وشو، چې د راروانې مارچ میاشتې په لومړۍ اوونۍ کې به د افغان حکومت او طالبانو ترمنځ مخامخ خبرې په اسلام‌آباد کې پیل شي. د دې لړۍ اصلي موخه دا ده، چې پاکستان به افغان طالبان له افغان حکومت سره د خبرو اترو مېز ته حاضر وي. له دغې غونډې یوه ورځ مخکې د پاکستان لوی درستیز راحیل شریف هم قطر ته سفر وکړ او هلته یې د افغان سولې په تړاو د قطر هېواد له چارواکو سره خبرې وکړې. پوښتنه دا ده، چې د څلور اړخیزو همکارو د پروسې له لارې د مخامخ خبرو اترو په لاره کې څه خنډونه شته دي او د دې ژمنې د عملي کېدو څومره شونتیا شته ده؟

په دې گڼه کې پر همدغو موضوعاتو د ستراتېژیکو او سیمه‌ییزو څېړنو مرکز د اوونیز تحلیل د څانگې، شنې او څېړنې لولۍ.

نقش شورای عالی صلح در قضیه افغانستان (۲۰۱۰-۲۰۱۶)



حکومت وحدت ملی پس از یک سال انتظار، بالاخره روز یکشنبه (۲ حوت ۱۳۹۴) رئیس و ساختار جدید شورای عالی صلح را طی مراسم خاص رسماً اعلام نمود. در این مراسم، پیر سید احمد گیلانی یکی از رهبران پیشین جهادی به حیث رئیس شورای عالی صلح و محمد کریم خلیلی، حبیبه سرابی، عطاءالله سلیم، مولوی خیبر، حاجی دین محمد و مولوی خدام به حیث معاونین این شورا اعلام گردیدند.

حکومت افغانستان ساختار جدید شورای عالی صلح را دو روز قبل از برگزاری چهارمین نشست مذاکرات چهارجانبه صلح، اعلام نمود. این در حالیست که اعلامیه مشترک این نشست چهارجانبه می گوید، گفتگوهای رو در رو میان حکومت افغانستان و طالبان در هفته اول ماه مارچ سال جاری، در پاکستان آغاز خواهد شد.

اینکه نقش شورای عالی صلح از آغاز کارش تا حال، در پروسه صلح چگونه بود و ساختار جدید این شورا چه تأثیری بر پروسه صلح افغانستان خواهد داشت؟ پرسش‌هایی اند که در این بخش تحلیل، به پاسخ آن‌ها پرداخته شده است.

نیاز به ایجاد شورای عالی صلح!

پس از تشدید جنگ در سال ۲۰۰۸، زمانیکه جنگ امریکا و ناتو در افغانستان به سال هشتم خود رسید، حکومت افغانستان و جامعه جهانی برای نخستین بار احساس نمودند تا با مخالفین مسلح از در صلح پیش آیند. به همین منظور، برای نخستین بار توسط کای آیده نماینده خاص سازمان ملل متحد در افغانستان، گفتگوها با طالبان آغاز گردید.

در سال ۲۰۰۹ یک سرباز امریکایی به نام "باو برگدال" نیز در ولایت پکتیکا به دست طالبان افتید و از سوی دیگر، همین سال و سالهای بعد از آن خونینترین سالها برای سربازان امریکایی بود، لذا امریکاییها نیز به ضرورت گفتگوها با طالبان پی بردند و در استراتژی جنگی خود گفتگو با مخالفین مسلح را نیز اضافه نمودند.

حکومت افغانستان نیز در ابتداء اقدام به گفتگوها با افراد طالبان کرد. هرچند بیشتر این گفتگوها با افراد جعلی به نام طالبان صورت گرفت، ولی در کنار آن با شماری از افراد اصلی طالبان نیز گفتگوها صورت گرفت. سپس حکومت افغانستان در ماه جون ۲۰۱۰ جرگه ملی مشورتی صلح را فراخواند و به درخواست همین جرگه، شورای عالی صلح را ایجاد نمود که به تعقیب آن (برنامه پیوستن به پروسه صلح و بازگشت به زنده گی مسالمت آمیز) را نیز اعلام نمود.

استاد برهان الدین ربانی به حیث اولین رئیس شورای عالی صلح تعیین گردید. وی در سپتامبر ۲۰۱۱ در کابل کشته شد و پسرش صلاح الدین ربانی به حیث رئیس این شورا تعیین گردید. پس از ایجاد حکومت وحدت ملی، صلاح الدین ربانی در جنوری ۲۰۱۵ به حیث وزیر امور خارجه تعیین گردید و به این ترتیب شورای عالی صلح تا مدت یک سال رئیس نداشت و اکنون پیر سید احمد گیلانی رئیس این شورا تعیین شد.

ارزیابی شورای عالی صلح

اگر بخواهیم شورای عالی صلح را در دو جمله ارزیابی نماییم، گفته می توانیم که:

1. این شورا تعدادی افراد را به نام مخالفین مسلح دولت با پروسه صلح یکجا نموده است؛

2. و تا حال دست آوردی در راستای گفتگوهای صلح با مخالفین مسلح حکومت نداشته است.

بر اساس آمار برنامه انکشافی سازمان ملل متحد (UNDP)، از ۲۰۱۰ الی ربع سوم سال ۲۰۱۵ حدود ۱۰۵۷۸ فرد مسلح به پروسه صلح پیوستند که از این جمله ۹۸۸ تن آن هاسر گروپان مخالفین مسلح بودند و حدود ۸۱۰۱ میل سلاح سبک و سنگین شان را نیز به حکومت تسلیم دادند.¹

¹ برای گزارش یو ان دی پی در این مورد، به لینک زیر مراجعه نمایید:

<http://www.af.undp.org/content/dam/afghanistan/docs/crisisprev/APRP/APRP-3QPR-2015.pdf>

اصطلاحات افراد مسلح و سرگروپان آنها نیز قابل بحث است. اینکه آیا واقعاً به همین تعداد سرگروپان مخالفین مسلح با پروسه صلح پیوسته اند، جای سوال دارد؛ چون شماری از افراد اهل نظر در مناطق مختلفی که این برنامه در آنجا عملی شده، به این نظر اند که با این پروسه نیز برخورد سیاسی صورت گرفته و مسؤولین مربوطه پولها را به حامیان خود توزیع نموده اند.

شورای عالی صلح تا هنوز نتوانسته است رهبران طالبان را به میز مذاکره حاضر نماید. اینکه چرا شورای عالی صلح قادر به این کار نشده، در موردش بحث خواهیم کرد، ولی یک نکته یقینی این است که نقش این شورا در پروسه صلح، با وجود مصرف پولهای فراوان، برابر با صفر است.

تا هنوز در مورد مقدار پولی که صرف هزینه های شورای عالی صلح گردیده هیچ رقمی از جانب شورای عالی صلح و یا حکومت افغانستان به مردم ارائه نگردیده، ولی نظر به ارقام ارگانهای غیردولتی، به صورت تقریبی ۷۸۲ میلیون دالر صرف هزینه های برنامه "پیوستن به پروسه صلح و بازگشت به زنده گی مسالمت آمیز" شده است.^۲ همچنان، بر اساس ارقام ارائه شده توسط برنامه انکشافی سازمان ملل متحد، کشورهای کمک کننده افغانستان نیز با پروسه صلح حدود ۱۳۱.۷۶۶ میلیون دالر کمک کرده اند.^۳

عوامل عدم موفقیت

عوامل ذیل را می توان از عوامل عمده ناکام بودن شورای عالی صلح، در آوردن صلح به کشور دانست:

نداشتن راه کار و میکانیزم مشخص برای صلح: شورای عالی صلح از زمان تشکیل آن تا اکنون، راه کار جامع و مشخصی برای حاضر کردن مخالفین مسلح دولت به میز مذاکره را نداشت. عمده ترین راه کار این شورا پیوستن به پروسه صلح و بازگشت به زنده گی مسالمت آمیز بود که طالبان آنرا برنامه صلح نه بلکه «برنامه تسلیم شدن به حکومت افغانستان» می پنداشتند. عدم موجودیت یک راه کار واقع بینانه برای تحکیم صلح، موجب ناکامی تلاش های این شورا گردید.

^۲ در این مورد به گزارش کنفرانس پژواک در مورد ارزیابی پروسه صلح افغانستان مراجعه نمایید:

<http://www.pajhwok.com/en/2015/09/02/huge-expenses-afghan-peace-effort-achieve-little-gains>

^۳ برای معلومات بیشتر، به گزارش برنامه انکشافی سازمان ملل متحد مراجعه نمایید:

<http://www.af.undp.org/content/dam/afghanistan/docs/Project-Summaries/ProjectSum-012016/APRP%20-%20Project%20Summary%20Jan%202016.pdf>

عدم صلاحیت و استقلال: علاوه بر اینکه این شورا راه کار مشخص برای صلح نداشت، حکومت افغانستان نیز صلاحیت و استقلال کافی را به آنها نداد، تا آنها بتوانند در پروسه صلح مستقلانه عمل نمایند.

وجود چهره‌های ضد طالبان در شورای صلح: بیشترین اعضای شورای عالی صلح افرادی بودند که سابقه جنگ با طالبان و افکار ضد طالبانی دارند؛ طالبان نیز به آنها به دیده شک می‌نگرند که این خود یکی از دلایل اصلی ناکامی شورای عالی صلح می‌باشد.

عدم هماهنگی میان اعضای شورا: به صورت کل کسانی در شورای صلح گرد آمده‌اند که افکار متضاد با همدیگر دارند. از یک سو مقام‌های پیشین حکومت طالبان مانند عبدالحکیم مجاهد که برای یک مدت سرپرست شورای عالی صلح نیز بود، در ترکیب شورا وجود دارند و از سوی دیگر مخالفین سرسخت طالبان مانند استاد سیاف نیز در این شورا عضویت دارند، بنابراین عدم هماهنگی و افکار ضد و نقیض اعضای این شورا نیز مشکل‌آفرین شد.

عدم بی‌طرفی: شورای عالی صلح توسط حکومت افغانستان ایجاد گردیده و اعضای این شورا از این آدرس معاش دریافت می‌نمایند. بناء شورای صلح به عنوان یک ارگان میانجی و بی‌طرف نه، بلکه یکی از طرف‌های درگیر جنگ پنداشته می‌شود. اکثریت تصامیم و موقف‌های این شورا از حکومت افغانستان الهام می‌گیرد و عدم بی‌طرفی آن باعث گردیده که طالبان آنرا «آدرسی برای تامین منافع امریکا» عنوان نمایند.⁴

رشوه سیاسی: حکومت افغانستان از همان ابتداء ریاست این شورا را به کسانی سپرد که با توجه به شخصیت و شهرت آنها چنین به نظر می‌رسید که این پست را به عنوان رشوه سیاسی به آنها اهدا شده است. از سوی دیگر مسؤولین ولایتی این شورا نیز از برنامه پیوستن به صلح و بازگشت به زنده‌گی مسالمت‌آمیز، استفاده سیاسی کردند و از این آدرس به حامیان خود منفعتهای مالی می‌رساندند.

⁴ طالبان پس از ایجاد شورای عالی صلح، در اعلامیه‌ای این شورا را ارگانی "برای تامین منافع امریکا" خواند، برای جزئیات بیشتر:

http://www.bbc.com/pashto/afghanistan/2010/09/100929_taliban-deny-talks.shtml

رهبری جدید و نقش این شورا در گفتگوهای صلح

حامد کرزی رئیس جمهور پیشین به شورای عالی صلح به عنوان یگانه آدرس گفتگوها با مخالفین مسلح تاکید می‌کرد، اما پس از به قدرت رسیدن اشرف غنی، حکومت افغانستان برای تامین صلح در کشور، بر پاکستان و چین اتکا نموده و بیشتر گفتگوهای صلح توسط نماینده‌گان رئیس جمهور و وزارت خارجه کشور صورت پذیرفت. در طول این مدت، شورای صلح در گفتگوهای صلح به حاشیه رانده شد.

در نشست مری در اسلام‌آباد نیز که در آن نماینده‌گان حکومت افغانستان برای نخستین بار با نماینده‌گان طالبان رو به رو شد، نقش شورای عالی صلح محدود بود.

در مذاکرات چهارجانبه افغانستان، پاکستان، چین و امریکا که به منظور آغاز گفتگوهای مستقیم با طالبان آغاز گردیده است، تنها نماینده‌گان وزارت خارجه افغانستان برای پیشبرد این گفتگوها اشتراک می‌ورزند که این خود بیانگر عدم اعتماد حکومت افغانستان به این شورا است و این امر نقش این شورا را در پروسه صلح چه حالا و چه در آینده باشد، بیان می‌دارد. از جانب دیگر، در ساختار جدید این شورا نیز کدام تغییر بنیادی به نظر نمی‌رسد و چنان می‌نماید که بار دیگر پست‌های رهبری این شورا به برخی افراد، به عنوان رشوه سیاسی اهداء گردید.

له طالبانو سره د مخامخ خبرو اترو شاليد او راتلونکي



تېره اوونۍ د څلور اړخيزې همکارۍ ډلې څلورمه ناسته په کابل کې جوړه شوه. د دغې څلور اړخيزې ناستې د گډې اعلاميې له مخې، د مارچ په لومړۍ اوونۍ کې به د افغان حکومت او افغان طالبانو ترمنځ مخامخ خبرې په اسلامآباد کې پيل شي.

له دې وړاندې د درېيمې څلور اړخيزې ناستې پرمهال پرېکړه شوې وه، چې افغان حکومت به د فبرورۍ مياشتې په وروستيو کې له افغان طالبانو سره مخامخ خبرې اترې پيل کړي. دا چې ولې د روانې مياشتې په وروستيو کې له طالبانو سره مخامخ خبرې پيل نه شوې لاملونه يې څرگند نه دي.

د مخامخ خبرو اترو وروستۍ ژمنه داسې مهال کېږي، چې له څلورمې څلور اړخيزې ناستې يوه ورځ وړاندې د پاکستان لوی درستيز جنرال راحيل شريف هم قطر ته په يوه ورځني سفر ولاړ او د قطر هېواد له جگپوړو چارواکو سره، د نورو مسائلو ترڅنگ د افغانستان د سولې پر پروسې هم وغږېد.

دا چې د مخامخ خبرو اترو ارزښت په څه کې دی، له ۲۰۰۱ کال راهيسې له افغان طالبانو سره د مخامخ خبرو اترو شاليد څه دی او آیا رېښتيا هم مخامخ خبرې اترې په مارچ مياشت کې پيلېدونکې دي؟ دلته پرې شننه کوو.

په افغان سوله کې د مخامخ خبرو اهميت

د نړۍ په ډېری هېوادونو کې چې څومره هم د هغو هېوادونو له داخلي لورو سره بهرنيان په جگړه کې ښکېل پاتې شوي او يا د يوه هېواد داخلي ډلې په خپلو کې په جگړه اخته وي، دغه ټولې شخړې او جگړې يوازې د مخامخ خبرو اترو له لارې حل شوې دي؛ ځکه د شخړو او جگړو حل يوازې د مخامخ خبرو اترو په پايله کې شونې دي. د بېلگې په ډول د ويتنام جگړه د پاریس د سولې تړون په نتيجه کې پای ته ورسېده، چې د شمالي ويتنام حکومت، د جنوبي ويتنام حکومت، امریکا او موقتي انقلابي حکومت ترمنځ وشو.

په افغانستان کې هم د سولې په تړاو ټولې هغه هڅې چې مخامخ خبرې اترې پکې نه وي، يا خو يې هېڅ پايله نه ده لرلې او يا يې هم ډېرې بدې پايلې لرلې دي. د شورويانو د اشغال پرمهال د جنیوا په خبرو اترو کې له اصلي لورو سره د مخامخ خبرو اترو د نه شتون له کبله، هغو مذاکراتو او پرېکړو ډېرې بدې پايلې ولرلې او د کورنۍ جگړې د غميزې په رامنځته کولو کې يې د نورو عواملو ترڅنګ مهم رول ولوباوه.

د افغان سولې په تړاو په روانو خبرو اترو کې پر مخامخ خبرو اترو ټينگار به هم، يوه باامنه او سوله ييز افغانستان ته واټن لنډ کړي؛ خو اساسي خبره دا ده، چې دغه مخامخ خبرې د جگړې له اصلي لوري سره او له فشارونو پرته وشي.

د مخامخ خبرو اترو شاليد

د افغان حکومت او افغان طالبانو ترمنځ خبرې اترې د حامد کرزي د دورې پرمهال پيل شوې، چې تر ډېره به د حامد کرزي له استازو سره افغان طالبانو په انفرادي ډول خبرې کولې. د دغو طالبانو له ډلې ملا برادر، ملا معتصم آغا جان او ځينې نور وو.

د افغان طالبانو له يوه داسې پلاوي سره، چې په سم ډول د طالبانو د ډلې استازيتوب وکړي او له افغان حکومت سره د مخامخ خبرو اترو په ميز کېني، د اسلام اباد په مري سيمه کې خبرې وشوې. دغه خبرې اترې وروسته له هغه وشوې، چې افغان حکومت د سولې په تړاو پر پاکستان تکیه زياته کړه او پاکستان هم د خپل لوی درسيز راحيل شريف له هغې ژمنې وروسته، چې افغان طالبان به له افغان حکومت سره د خبرو اترو لپاره د ۲۰۱۵ کال د مارچ مياشتې په منځ کې خبرو ته حاضر کړي، تر ډېر فشار لاندې و. له همدې ځايه د مري خبرو

اترو ته د ۲۰۱۵ کال په جون میاشت کې لاره پرانېستل شوه، خو بیا ډېر ژر د ملا محمد عمر د مړینې له اعلان سره، دغه پروسه هم شندې شوه.

د مري له خبرو اترو څخه څو میاشتې وروسته او په دې اړه د سیمه ییزې او نړیوالې ډیپلوماسۍ له فعالېدو سره د ۲۰۱۵ کال د دسامبر په میاشت کې، د افغان سولې لپاره څلور اړخیزې ناستې پیل شوې، چې تر دې دمه یې څلور ناستې کړې دي. په دغو ناستو کې دوی لومړی د څلور اړخیزو ناستو لایحه جوړه کړه، بیا یې له افغان طالبانو سره د خبرو اترو لپاره تگلاره جوړه کړه او اوس یې له څلورمې ناستې وروسته، له افغان طالبانو سره د مخامخ خبرو اترو لپاره نېټه او ځای غور کړ، چې د مارچ په لومړۍ اوونۍ کې به افغان حکومت له افغان طالبانو سره په اسلام آباد کې خبرې اترې وکړي.

د مخامخ خبرو اترو په لاره کې خنډونه

اوسنیو حالاتو ته په کتلو سره، د څلور اړخیزو خبرو اترو له لارې له افغان طالبانو سره د مخامخ خبرو اترو په لاره کې لاندې خنډونه شته دي:

- د څلور اړخیزو خبرو اترو په پیل کې د روانې جگړې د مهم لوري (طالبانو) د اعتماد راجلبولو هېڅ هڅه ونه شوه، بلکې ټوله هڅه دا ده چې پاکستان به طالبان د خبرو اترو مېز ته کېنوي. اوس طالبان هم په دې پروسه بې باوره دي او اهدافو ته یې د شک په سترګه گوري.
- د قطر دفتر په رسمیت نه پېژندل د مخامخ خبرو اترو ناکامۍ ته لاره پرانیزي؛ ځکه طالبان هم د قطر دفتر د خبرو اترو یوازې ادرس بولي او دا چاره تېرو کلونو ثابته کړې ده. په تېرو څو کلونو کې ثابته شوې چې د قطر دفتر پریکړې د افغان طالبانو جنگیالیو منلې دي.
- د دې ترڅنګ د طالبانو له بانفوذه مشرانو څخه بندیزونه نه لرې کول هم، په دا ډول خبرو اترو کې د دوی نه گډون ثابتي او که په دغو خبرو اترو کې د افغان طالبانو بانفوذه کسان برخه وانخلي، نو تر ډېره یې ناکامې بللی شو. د بندیانو د آزادولو او نور شرطونه بیا د افغان طالبانو او افغان حکومت ترمنځ بې باوري ختمولای شي او د باور په زیاتولو کې رول لوبولای شي.

آيا مخامخ خبرې اترې پيلېدونکې دي؟

د څلور اړخيزو خبرو اترو له څلورمې ناستې وروسته په قطر کې د افغان طالبانو سياسي دفتر اعلان وکړ، چې د څلور اړخيزو خبرو اترو او مخامخ خبرو په تړاو دوی په جريان کې نه دي او نه هم له دوی سره تر اوسه کومه خبره شوې ده.

که د افغان طالبانو د وروستيو کلونو ډيپلوماسۍ ته ځير شو، نو دوی په ډېرو سختو دريځونو سره يا خو خبرو اترو ته چمتو نه وي او يا له غير مستقيمو خبرو اترو سره حساسيت نښي او غواړي، چې د قضيې د حل لپاره په مخامخ خبرو اترو کې برخه واخلي. د مثال په ډول د روسي پيلوټ د خوشې کولو او امريکايي پوځي باو برگډال د خوشې کولو قضيې يادولی شو.

دا چې په دوو اوونيو کې دننه به له افغان طالبانو سره مخامخ خبرې اترې پيل شي، د پوښتنې وړ ده؛ ځکه پاکستان له دې وړاندې هم هر کله چې د سولې د مخامخ خبرو د پيل پخې ژمنې کړې دي، له ډېرو ستونزو او د تاريخ له تېرېدو وروسته توانېدلي، چې افغان طالبان او افغان حکومت خبرو اترو ته حاضر کړي، هغه هم په تېر يوه نيم کال کې يوځل!

د راتلونکي مارچ په لومړۍ اوونۍ کې د افغان طالبانو او افغان حکومت ترمنځ مخامخ خبرې اترې پيلېدل ډېر هم ستونزمن کار نه دی؛ خو پوښتنه دا ده، چې په دغو خبرو اترو کې به د افغان طالبانو استازيتوب څوک کوي؟ که د قطر سياسي دفتر مشر او غړي يې پکې برخه وانخلي او د طالبانو رهبرۍ شورا هم پکې شتون ونه لري، نو دغه خبرې اترې هم د تېر په څېر ناکامې دي.

پای



ارتباط با ما:

ایمیل: csrskabul@gmail.com info@csrskabul.com

وب سایت: www.csrskabul.net - www.csrskabul.com

شماره تماس دفتر: (+93) 784089590

ارتباط با مسؤولین:

دکتور عبدالباقي امين، رئيس مرکز مطالعات استراتژیک ومنطوقی: abdulbaqi123@hotmail.com (+93) 789316120

حکمت الله ځلاند، مسؤول تحقیقات و نشرات: hekmat.zaland@gmail.com (+93) 775454048

یادآوری: لطفا نظرات و پیشنهادات خود را جهت بهبود مطالب این نشریه به ما ارسال دارید.